



فلسفه تحلیلی می تواند به صورت بندی دعاوی فلسفه اسلامی کمک کند

حجت الاسلام سیدعلی طالقانی گفت: فلسفه تحلیلی می تواند در مباحث جاری فلسفه به صورت بندی دعاوی و دلائل فلسفه اسلامی کمک شایانی کند.

حجت الاسلام سیدعلی طالقانی گفت: فلسفه تحلیلی می تواند در مباحث جاری فلسفه به صورت بندی دعاوی و دلائل فلسفه اسلامی کمک شایانی کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، نشست علمی با عنوان «فلسفه تحلیلی - فلسفه اسلامی؛ تفاوتها و شباهتها» با ارائه حجت الاسلام سیدعلی طالقانی عضو هیئت علمی گروه فلسفه دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی برگزار گردید که خلاصه بحث به شرح ذیل است:

طالقانی در ابتدای بحث مقدماتی در باب چیستی موضوع و ارتباط آن با علوم اسلامی بیان کرد و افزود: در باب چیستی فلسفه تحلیلی و وجه تسمیه آن می توان گفت اولین بار این واژه یعنی تحلیلی، در ۱۹۳۶ در نوشته های ارنست نیگل بیان شد و از آن زمان تاکنون در باب چیستی این رویکرد فلسفی نظرات فراوانی ارائه شده است که شش تای آن اهمیت بسزایی دارد.

وی اشاره کرد: اولین بار آقای فون رایت در مقاله اش با عنوان چیستی فلسفه تحلیلی بیان داشت اگر بخواهیم ملاکی برای تحلیلی بودن این رویکرد فلسفی بیان کنیم باید فهرستی از فیلسوفان تحلیلی ارائه دهیم تا هویت این رویکرد مشخص شود.

عضو هیئت علمی در ادامه عنوان داشت: این رویکرد فکری اولین بار با آثار فرگه، راسل و ویتگنشتاین آغاز گردید و البته در همین بازه زمانی تفاوتهایی در نوع برخورد با هویت فلسفه تحلیلی به چشم می خورد. دیدگاه های در باب چیستی فلسفه تحلیلی عبارتند از:

دیدگاه دامتی: این دیدگاه توسط مایکل دامت طرح شد و وی معتقد بود ویژگی اصلی فلسفه تحلیلی چرخش زبانی آن است. دامت معتقد بود فرگه نشان داد زبان نسبت به ذهن تقدم دارد. دامت سزس به سه نوع تقدم اشاره کرده است که عبارتند از تقدم معرفتی، تقدم وجودی و تقدم زبانی. مقصود از تقدم زبانی یعنی همان تقدم تحلیلی زبان بر ذهن است. اما این تعریف دامت جامع نیست زیرا برخی فیلسوفان مانند پوپر این را شرط کافی برای تحلیلی بودن نمی دانند.

دیدگاه متمرکز بر اهمیت به علوم طبیعی: این دیدگاه دو قرائت دارد. برخی می گویند ویژگی اصلی تحلیلی بودن این فلسفه آن است که این رویکرد فلسفه ای ضد علم است مانند هکر و برخی می گویند این رویکرد فلسفه ای است که علم دوست، علم گرا و متحد با علم است. افرادی مانند کارنپ، کریچلی، فون رایت، همپل و دیگران از این دستند.

منطق صوری: این دیدگاه معتقد است ویژگی اصلی فلسفه تحلیلی آن است که منطق صوری رکن این فلسفه است. این دیدگاه هم جامع نیست زیرا امثالی مانند ویتگنشتاین دلبنسته منطق صوری نبودند و دغدغه شان این نبود.

دیدگاه هکر: وی معتقد است واژه تحلیل به گفته تمامی فیلسوفان تحلیلی به نوعی درگیر شکستن این واژه ستند و خود وی سه نوع تحلیل ارائه می دهد. تحلیل متافیزیکی، تحلیل منطقی، و تحلیل مفهومی مانند فلسفه زبان امروز. این دیدگاه هم مورد قبول نیست زیرا فیلسوفان دیگر مانند کانت، لاک، هوسرل و دیگران هم درگیر تحلیل بوده اند.

آباء تحلیلی: این دیدگاه معتقد است برای یافتن ویژگی اصلی فلسفه تحلیلی باید آباء آن را مشخص کنیم تا این فلسفه تعریف و روشن گردد. مثلاً از فرگه آغاز کنیم و تا زمان حاضر رابطه تاثیر وی بر فلسفه را بررسی کنیم. این همان دیدگاه رایت است که ابتدا در باره اش سخن گفتیم.

شباهت خانوادگی: این دیدگاه معتقد است برای کشف معیار تحلیلی بودن باید شباهت کارهای فیلسوفان تحلیلی را بیابیم تا بفهمیم فلسفه تحلیلی چیست. این دیدگاه امثال آقای پایا است که اشکالش آن است که معلوم نیست بر اساس چه معیاری این شباهت را باید بیابیم. البته اگر این معیار درست باشد پس ربط وثیقی میان فلسفه تحلیلی با

طالقانی در پایان چند پیشنهاد برای کمک فلسفه تحلیلی به فلسفه اسلامی ارائه کرد که عبارتند از: ۱، این فلسفه در دیسیپلین بندی فلسفه اسلامی می تواند یاری بهر خوبی باشد تا با کمک آن مباحث معرفت شناسی، متافیزیک، علم، اخلاق و ... که در فلسفه اسلامی به هم آمیخته است را از هم جدا کنیم.، ۲، در مباحث جاری فلسفه این فلسفه می تواند به صورت بندی دعاوی و دلائل فلسفه اسلامی کمک شایانی کند.